

## نامه دوم به رئیس‌جمهور در مورد سخنان وزیر کشور

حجت‌الله والمسلمین جناب آقای سید علی خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری

قال رسول الله (ص): لكل شيء آفة تفسده و آفة هذا الدين و لاه السو

(نهج الفصاحه - حدیث شماره ۳۲۵۵)

پیرو نامه شماره ۲۱/۴/۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۸/۹ شاید مستحضر شده‌اید، آقای ناطق نوری وزیر کشور، در سخنان خود در پیش خطبه نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۴ آبان ماه که از رسانه‌ها پخش شد، ضمن حمله به نهضت آزادی و سران آن نامه‌ای را که نهضت به طور خصوصی برای جنابعالی و اعضای هیأت دولت فرستاد و طی آن درخواست رسیدگی و احقاق حق نموده بود مطرح ساختند و با تکرار همان فحاشی‌ها، چنین وانمود کردند که گویا در جمهوری اسلامی، دفاع از شرف و حیثیت، تذکر و انتقاد از مسئولان و امر به معروف و نهی از منکر آن هم در یک نامه خصوصی به رئیس‌جمهور مملکت و رئیس قوه مجریه و دبیرکل حزب جمهوری ذنب لایغفری است.

جناب آقای رئیس‌جمهور،

با انتشار نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی سیل حملات علیه نهضت آغاز گشت. تلاش ما بر این بوده است که با این حملات به طور سازنده‌ای برخورد کرده و در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی و ایجاد جامعه‌ای شاهد و واسط بکشیم. اگر در لحن بیان مسایل مردم دچار اشتباه یا لغزشی شده‌ایم، از خود انتقاد کنیم و اگر برای بیان مطلب شیوه‌ای بهتر ممکن بوده است به قصور خود معترف گردیم و اگر هم حمله‌کنندگان به ما از طریق حکمت و موعظه حسنه خارج شده، راه عناد و لجاج پیموده‌اند با تذکرات برادرانه به وظیفه نهی از منکر خود عمل کنیم.

میان حمله‌کنندگان به نامه نهضت، حجت‌الاسلام علی اکبر ناطق نوری وزیر کشور در چند سخنرانی از جمله خطابه‌ای در دفتر حزب جمهوری اسلامی مشهد ما را به رگبار دشنام، تهمت و افترا بست و به بهانه «حفظ خط اسلام فقهاتی» و «حرکت در خط امام» اعضاء دولت موقت و نهضت آزادی ایران را با کلماتی از قبیل «موش‌مرده‌ها»، «کرم‌ها»، «بی‌حیاها»، «پر روها»، «بازیگران سیاسی»، «حقه بازها»، «نمک ناشناس»، «فکلی مستفرنگ»، «آمریکایی‌های لیبرال»، «دزدها»، «ربا خوارها»، «خیانتکارها» و تهمت‌هایی که حتی به زبان آوردن آن زبیده مسلمان متقی نیست مورد یورش قرار داد. ما به حکم وظیفه شرعی و به خاطر دفاع از حیثیت خود و بالاتر از آن دفاع از حق و عدالت و انقلاب و رهبری آن که «اعتماد به ایمان راسخ رئیس دولت موقت و به مکتب مقدس اسلام» داشته و بر اساس «اطلاع از سوابق دینی در مبارزات اسلامی و

ملی» مسئولیت تشکیل دولت موقت را به عهده‌اش نهاده و پس از نه ماه خدمت از «زحمات و خدمات طاقت فرسای ایشان» قدردانی نموده و با «اعتماد به دیانت و امانت و حسن‌نیت مشارالیه» استعفایش را پذیرفته‌اند، لازم دانستیم با نوشتن نامه‌ای به جنابعالی و اعضا هیأت دولت که با وزیر کشور مسئولیت مشترک دارند، مقامات مسئول را به تبعات و آثار عمل آقای ناطق نوری متوجه سازیم تا اقدام شایسته و مقتضی معمول دارند.

به نظر ما رفتار آقای وزیر کشور اهانت به اسلام و انقلاب اسلامی، به مقام رهبری و دهن کجی به همه آنانی است که تحقق جمهوری اسلامی را ضمن شعارهای خود خواسته‌اند. این عمل از طرف مقامی روحانی و مسئول، آبروی اسلام و جمهوری اسلامی را می‌برد و تصویر کریه ناهنجاری از روحانیت و اسلام در اذهان مردم مجسم می‌سازد.

ما ضمن تصدیق مجدد در این نامه کوشش می‌کنیم رفتار وزیر کشور را با میزان اخلاق اسلامی و عدالت و بر پایه تعالیم فقهای بزرگ شیعه بسنجیم و از خدا بخواهیم که ما و ایشان را در راه حق یاری فرموده و جمهوری اسلامی را از گزند اشتباه کاری‌ها در امان نگه دارد.

همانطور که گفته شد آقای ناطق نوری هدف از اقدامات خود را «حفظ خط اسلام فقاهتی»، «حرکت در خط امام» و انجام وظیفه نهی از منکر خوانده‌اند. شاید اگر ایشان فرصتی یافته و به متون اصیل اسلامی و فقهی مراجعه کرده و آیات و روایاتی را که در مورد «اصاله الصحه فی عمل الغیر» نقل نموده‌اند مورد مطالعه قرار می‌دادند هرگز این گونه خود را در فحاشی و تهمت و افترا آزاد نمی‌دیدند، سفارش امام معصوم را به خاطر می‌آوردند که «ضع امر اخیک علی احسنه» و همچنین روایتی را می‌دیدند که امام معصوم فرمود: «ان من اتهم اخاه فهو ملعون ملعون»، ملاحظه می‌فرمودند که برخی از بزرگان فقها حمل کردن عمل دیگران بر صحت را مورد اجماع عملی و فتوایی مسلمانان می‌شمارند، و هرگز حاضر نمی‌شوند به بهانه دفاع «از خط اسلام فقاهتی»، حق و عدالت اسلامی را این گونه زیر پا گذاشته و بر خلاف آن عمل کنند.

آقای وزیر کشور سخنرانی سراسر فحش و تهمت خود را انجام وظیفه نهی از منکر و حرکت در خط امام خوانده‌اند و در رابطه با این فحاشی‌ها می‌گویند «این که مسئول وزارت کشور هستم، به معنای آن نیست که امر به معروف و نهی از منکر و رسالت منبر و فریاد را از دست بدهم».

عجبا! آقای وزیر نمی‌دانند که وظیفه شرعی ایشان چه به عنوان وزیر و چه به رسالت منبر، رعایت قانون اساسی که سایه دست فقهای عظام و مورد امضاء و تنفیذ امام امت می‌باشد و زیر پا نهادن اصل بیست و دوم که می‌گوید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند» خلاف شرع و قانون و محل عدالت است.

اما قلمداد کردن این فحاشی‌ها به عنوان نهی از منکر نمی‌تواند چیزی جز اهانت به اسلام و اصل مقدس نهی از منکر و خروج آشکار از خط امام باشد. اگر آقای وزیر چند دقیقه وقت صرف کرده و به رساله تحریرالوسیله رهبر انقلاب مراجعه کنند، در صفحه ۴۸۶-۴۸۴ می‌خوانند که توصیه امام در نهی از منکر آن است که کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند «باید مواظب باشد در راه آن مرتکب گناهی مانند دروغ، توهین و تحقیر نشود» چه در این صورت خود مرتکب منکری شده و معصیت خدا نموده است.

به علاوه آقای ناطق نوری هر جا سخن بگویند گفتار و رفتار ایشان به عنوان یکی از مسئولین جمهوری اسلامی زیر ذره بین است و مردم می‌خواهند رفتار و کردار اسلامی را در زندگی روزمره مسئولین جمهوری ببینند چه آنان از علی(ع) آموخته‌اند که «لیست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاه» و سخن پیامبر(ص) را شنیده‌اند که فرمود: «هر چیزی را آفتی است و آفت این دین (اسلام) زمامداران فاسدند»، بنابراین مردم هرگز نمی‌توانند گفتار و رفتار مسئولین را از دولت و جمهوری اسلامی تفکیک کنند لذا پس از شنیدن فحاشی‌ها، تهمت‌ها، ناسزها از خود می‌پرسند:

آیا هدف از این همه فداکاری‌ها و تحمل سختی و ایثار و شهادت‌ها، آن بود که کسانی بر ما حکومت کنند که به نام دفاع از اسلام و خط امام حق و عدالت را زیر پا بگذارند و به نام نهی از منکر خود مرتکب منکر شوند؟

**جناب آقای رئیس جمهور،**

نهضت آزادی ایران با ارسال این شکواییه به جنابعالی به عنوان رئیس جمهوری و رئیس قوه مجریه مسئول اجرای قانون اساسی و کسی که با سران و برخی از اعضای نهضت همفکری و همکاری داشته‌اید خواستار آن است که به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران دستور دهید برای پاسخ به تهمت‌ها و هتاک‌هایی که از این رسانه‌ها پخش شده است بر طبق موازین قانونی فرصتی به نماینده نهضت آزادی ایران بدهند تا این اتهامات بی‌اساس را پاسخ دهد.

در خاتمه لازم می‌دانیم همانطور که بارها اعلام کرده‌ایم در اینجا نیز تهمت‌های ناروایی را که به ما می‌زنند قاطعانه مردود دانسته و آمادگی خود را برای حضور در دادگاه‌هایی که بر اساس شرع مقدس اسلام و مفاد قانون اساسی تشکیل شود اعلام کنیم. به نظر ما این وظیفه مقامات قضایی کشور است که از یک طرف از جوسازی‌ها و تبلیغات تفرقه‌افکن و غیراسلامی علیه ما جلوگیری نمایند و از طرف دیگر در صورتی که ما را مقصر بدانند طبق موازین شرعی و قانونی احضار و رسیدگی نمایند.

عدم اقدام مقامات قضایی در این مورد موجبات گسترش جو تهمت و افترا و بدبینی مردم را نسبت به روحانیت و انقلاب فراهم می‌سازد و این خواست و برنامه اصلی دشمنان انقلاب اسلامی ایران می‌باشد و بالله نستعین انه خیر ناصر و معین.

**نهضت آزادی ایران**

## متن سخنرانی حجت‌الاسلام آقای علی اکبر ناطق نوری

### وزیر کشور به مناسبت سالگرد شهادت شهید هاشمی نژاد

در دفتر جمهوری اسلامی ایران - مشهد در روز عید قربان ۶۱/۷/۶

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على نبينا ابى القاسم مصطفى محمد(ص) صلى الله عليه و على اهل بيته ... قال الله تعالى فى كتابه، اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، الم، احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و هم لا يفتنون

با سلام به شما برادران و خواهران و درود به امام بزرگوار و رهبری انقلاب و با درود به همه عزیزان شهیدمان مخصوصاً شهیدان انقلاب اسلامی و رزمندگان و ایثارگران و شخصیت‌های بزرگواری که به خاطر اسلام و حفظ خط راستین اسلام و برای دفاع از اسلام فقه‌پرهیزی و دفاع از حریم تزنه شرقی و نه غربی جان خود را فدا کردند، همچو شهید بزرگوار و مظلوم بهشتی، شهید بزرگوار باهنر، شهید عالیقدر رجایی و شهید بزرگواری که امشب شب سالروز شهادت این مرد بزرگوار و والامقام، شهید هاشمی نژاد، چند جمله‌ای را به عرض برادران و خواهران برسانم.

امروز روز عید قربان و سالروز فداکاری‌های ابراهیم خلیل و از امتحان قبول بیرون آمدن آن پسر و پدر قهرمان در مکتب توحید است. به علاوه سالروز فتح آبادان که با یک جمله امام که آبادان باید از محاصره بیرون آید و این ندا در سراسر جبهه‌ها به گوش رزمندگان می‌رسد و با یک یورش دشمن را از گرد آبادان مفتضحانه بیرون می‌رانند و رقم زیادی اسیر می‌گیرند و نقطه عطفی در پیروزی‌های بعدی می‌شود. به علاوه سالروز سرداران اسلام است. شهادت تیمسار فلاحی، شهادت تیمسار نامجو، شهادت تیمسار فکوری و سالروز شهادت برادر بسیار گرانقدرمان از سپاه پاسداران برادر کلاه‌دوز و همچنین شهادت برادر دیگرمان، دیروز که من به خوزستان رفته بودم و خرمشهر را می‌دیدم به یاد آن برادر فرمانده سپاه خرمشهر در تمام درگیری‌های اول مرحوم شهید جهان‌آرا افتادم.

احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و هم لا يفتنون

آیا گمان می‌کند که مؤمنان فقط بگویند ما ایمان آورده‌ایم، ما ره‌ایشان کردیم و این‌ها امتحان نمی‌شوند؟ و حال آن که همه ملت‌ها و امت‌ها را ما امتحان کردیم، انبیا امتحان شدند، اولیا الله در طول تاریخ در بوته امتحان قرار گرفتند. در رأس انبیا ابراهیم خلیل این قهرمان توحید، این عاشق دل‌باخته حق، این پیامبر بزرگی که در همه مراحل امتحان به خوبی از عهده آن برآمده و به مقام خلوص و دوستی خدا رسیده و نهایتاً افتخار «امامت» را یافت «وانا بتلى ابراهيم و به کلمات فاتهن». او امتحان شد به مالش و فرزندش و جان خودش و همه مراحل چون معمولاً دل‌بستگی‌ها همین‌هاست.

یا دلبستگی به مال است یا علقه و دلبستگی به فرزند و از همه بالاتر حب به ذات است، و این قهرمان بزرگ در این مراحل امتحان می‌دهد. همه انسان‌ها نیز امتحان می‌شوند. و لقد فتنا الذین من قبلهم. همه ملت‌ها زیر بوته امتحان قرار می‌گیرند و آزمایش می‌شوند، فرصت نیست که بگویم خدای بزرگ چرا این امتحان را می‌کند و او چه فایده‌ای می‌برد و آیا او بندگان را نمی‌شناسد که می‌خواهد با امتحان بشناسد، که قطعاً در اینجا اگر سؤال هم بشود جواب منفی است، ما را او خوب می‌شناسد، درجه ایمان تک‌تک ما را خوب می‌داند، خدا خوب می‌داند کدامیک ما که می‌گوییم الله، مردانه می‌ایستیم و کدامیک فرصت‌طلبی می‌کنیم، چند درصد من راست می‌گوییم، چند درصد شما راست می‌گویید و بالاخره درجه ایمانمان چقدر است و این را خدا خوب می‌داند، او آگاه است هم بر ما و نیت و آنچه به قلب‌ها خطور کند برای او روشن است. اما چرا امتحان می‌کند برای این است که ما خودمان، خود را بشناسیم و هم با امتحان شدن رفعت درجه پیدا کنیم و تمیز داده شویم، خیلی‌ها هستند که دم از اسلام می‌زنند، در همین که خود این انقلاب که راه امتحان بود و هست و این وضع جالبی که پیش آمد با پیروزی انقلاب، چه قبل و چه بعد از پیروزی، مخصوصاً بعد از پیروزی بهترین آزمایش‌ها شد این انقلاب برای مدعیان ایمان و اسلام و برای کسانی که ادعای انقلابی بودن داشتند. این کوره و این آزمایشگاه خوب ماهیت‌ها را نشان داد. شخصیت‌ها را نشان داد. نشان داد کسانی که قبل از پیروزی انقلاب فریاد می‌زدند، این‌ها بر چه اساسی فریاد می‌زدند، و ماهیت‌ها ثابت شد و اسرار ظاهر شد و نهفته‌ها به برون افتاد و معلوم شد جمعی کارشان قبل از پیروزی انقلاب برای این بود، عده‌ای فریاد می‌زدند و انقلابی داد می‌زدند و همه داد و فریادها برای این بود که خودشان به نان و نوایی و پستی برسند و همین که انقلاب پیروز شد و دیدند که سهمی به آنها داده نشد، دانشان در مقابل انقلابیون بلند شد، درست مثل صدر اسلام عده‌ای که ورشکستگان سیاسی باید نام نهاد و بهشان گفت کسانی که این‌ها فریادشان برای این بود که خودشان به جایی برسند. تیتیری پیدا کنند، مقامی بیابند، و وقتی انقلاب پیروز شد دیدند که سهمی ندارند، مثل گوشت قربانی انقلاب را تصور کردند، بعد می‌گفتند پس سهم ما چی شد، ما بیست سال داد زدیم، ما شکنجه دیدیم، ما زندان رفتیم، پس سهم ما چی شد، این‌ها معلوم می‌شود که انقلابیون دروغینی بوده‌اند که همه فریادهایشان این بود که خودشان به نوایی برسند، همین که به نوایی نرسیدند، چپ‌خوانی را علیه انقلاب آغاز کردند، تهمت‌ها را آغاز کردند و برچسب‌ها را آغار کردند، ما در کسانی که بعد از پیروزی انقلاب در مقابل انقلاب جبهه گرفتند، ما کسانی را سراغ داریم که این‌ها به حق در قبل از پیروزی انقلاب سابقه ممتدی در پیروزی انقلاب داشتند. واقعاً برای ما تعجب‌آور بود و گاه متأثر می‌شدیم. و همین الان هم بنده با شما خواهران و برادران سخن می‌گویم انصافاً افسوس می‌خوردم و می‌خوریم که حیف نبود چنین چهره‌ای که آنقدر قبل از انقلاب مصمم نشان داده می‌شد، آنقدر قاطع در مقابل رژیم ایستاده بود، اینقدر فریاد می‌زد و وااسلاما و واقراًنا. حیف نشد که به خاطر این که سهم او به او داده نشد در مقابل امام ایستاد. در مقابل حرکت میلیونی این مردم به پا خواسته ایستاد، حیف نشد، ماهیت روشن شد، و امتحان عجیب امتحانی بود و این‌ها خودشان را بسیار راحت نشان داده‌اند. این‌ها به محض این که شهید مظلوم بهشتی آمد، مدبر بودنش، فکر بودنش و تدبیرش و مدیریتش و قاطعیتش و انعطاف‌ناپذیریش و بالاخره سلطه و اشراف به مسایل داشتندش و بالاخره آنچه خوبان همه داشتند، این شخصیت مظلوم ما به تنهایی داشت، و وقتی می‌شود نایب رئیس مجلس خبرگان و او وقتی می‌آید در شورای انقلاب بیشترین سهم را امام به او می‌دهد و اعتماد به چنین چهره و شخصیتی

می‌کند آدم می‌بیند یک عده ناآگاه و یک عده آگاهانه و کسانی که این‌ها سابقه مبارزاتی هم داشته‌اند، سابقه تقوی و سابقه انقلاب و سابقه همه چیز داشتند، اینها هم قد علم می‌کنند، در مقابل بهشتی و هاشمی و هاشمی‌نژادها و خامنه‌ای‌ها می‌ایستند. این امتحان است، جداً همچون طلحه و زبیری که در رکاب رسول‌الله قد علم می‌کردند و در رکاب او شمشیر می‌زدند، همچون موقع اختیار آزمایش می‌شود، در مقابل علی نیز می‌ایستند، آمدند ایستادند، احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لایقنون؟

گمان می‌کنید که فقط همین که بگویید ایمان آوردیم و مسلمانیم، آزمایش نمی‌شوید. بهترین آزمایش‌گاه‌ها، این دوره انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب بود. عده‌ای این چنین خودشان را رسوا کردند، و اینها ورشکستگان سیاسی هستند، عده‌ای آمدند، تیر هم گرفتند، پست هم گرفتند، لیبرال‌ها بعد از پیروزی انقلاب به خاطر انسجامشان و تشکشان آمدند و حکومت را به دست گرفتند، دولت موقت تشکیل دادند، و امام آن همه اینها را تأییدشان کرد، به خاطر اسلام و قرآن و پیشبرد این انقلاب و هدف و آن وقت این نمک ناشناس‌ها که نتوانستند، رسالتی را که اسلام و قرآن و این ملت به دوششان گذاشتند ادا کنند، و عرضه نداشتند، اداره کنند، و طولی نکشید که داشتند آمریکایی‌ها را که به قیمت خون هزارها شهید و بیش از صد هزار مجروح و معلول اینها را بیرون کرده بودند، لیبرال‌های غرب‌گرای غرب‌زده، آمریکا را از دریچه وارد می‌کردند، اگر خروش امام نبود، اگر بیداری بهشتی‌ها نبود، اگر فریادی که از عمق جان هاشمی‌نژادها بر می‌آوردند نبود و اگر صفای ملت ما نبود ایران با همه کشته دادن‌ها، و شهید دادن‌ها در دامن آمریکا مجدداً قرار گرفته بود (تکبیر حضار) یک دولتی که به محض این که امام نصبش می‌کند، ملت می‌ریزند توی خیابان و او را حمایت می‌کنند دولتی که امام به عنوان دولت شرعی تأییدش می‌کند، بعد اینها می‌آیند، امیرانتظام را یک جاسوس مسلم را سخنگوی دولت می‌کند، اینها می‌آیند مقدم مراغه‌ای را، این را مجدداً من دارم می‌گویم برای این که این روزها یادتان باشد، این موش مرده‌ها، من همیشه این تعبیر را داشتم. یکی دو بار که مشهد آمدم یادم است که این تعبیر را داشتم، بنی‌صدر مرد، او به زباله دان تاریخ سپرده شد، سلطنت طلب‌ها مردند، و لیبرال‌های فرار کرده به غرب پناهنده شدند آنها هم مردند، آنها تحویل زباله‌دان تاریخ داده شدند، خطر را این موش مرده‌ها دارند، که این روزها هم با همان موش مردگیشان وارد مجلس شورای اسلامی می‌شوند، همان جا می‌نشینند مهر سکوت بر لبشان می‌زنند، مرتب هم می‌روند و مترصدند که روزی خدای ناکرده .... امام طوری بشود، یا فرصت دیگری نصیبشان بشود و از لانه‌هاشان این کرم‌ها بیرون بیایند، اینها خطرناکند همین روزها آغاز کردند، همین روزها نامه‌ای به مقام محترم ریاست جمهوری نامه سرگشاده می‌دهند این لیبرال‌های آمریکایی، نامه به رئیس مجلس می‌دهند و والله اعتقاد من این است که متن نامه‌ای که اینها دادند، آنچنان است که اگر بنا باشد، یک منکر انقلاب، ضد انقلاب منکر حرکت‌ها و منکر امام و منکر امت به هر حال یک ضد انقلاب صد در صدی که بناست در مقابل انقلاب سخن بگوید، من معتقدم که از این بدتر علیه انقلاب موضع نمی‌گیرد و از این بدتر دستاوردهای انقلاب را انکار نمی‌کند، که این لیبرال‌های موجود و این موش مرده‌های نهضت آزادی انکار تمام دستاوردهای انقلاب را کردند.

(مرگ بر بازرگان حضار)

اینها البته با علم به این که تحلیل داخلی درون گروهی‌شان این است که مدتی است ما مطرح نیستیم، این هم است با علم به این که دوست دارند که مطرح بشوند، نامه به رئیس مجلس را

پنجشنبه‌ای به او می‌دهند بعد بین خودشان می‌گویند که پنجشنبه بدهیم، که جمعه او به نوعی ما را مطرح کند، ولو آن که ما را بگوید، که اینطور خودشان را مطرح کنند. دقیقاً انکار کردند تمام دستاوردها را، که گرانی هست، کمبود جنس، همین چیزهایی که معمولاً چپ‌خوان‌ها که حالا یک کمی اشاره می‌کنم می‌گویند، گرانی که هست، جنس که پیدا نمی‌شود، کشته که پشت کشته داریم، قبرستان‌ها پر گردید، انکار تمام شهادت‌ها، خیانت به خون همه شهیدانمان و خیانت به همه خانواده‌های شهدا و توهین به این ملت شهید پرور یک کسانی که، واقعاً بی‌حیایی و پر رویی هم اندازه دارد. بازیگران سیاسی بی‌حیا هستند، پر رو هستند، اما من فکر نمی‌کنم هیچ گروه سیاسی در دنیا به اندازه این حقه‌بازها، این اندازه بی‌حیا و نمک ناشناس باشد.

کسانی که ..... ما بعد از پیروزی انقلاب، داد را هاشمی‌نژادها دادند، شکنجه‌ها را هاشمی‌نژادها دیدند، فشارها و تبعیدها را خامنه‌ای‌ها در گرمای کشنده ایرانشهر دیدند و وقتی انقلاب پیروز شد ما انقلاب و حکومت را دو دستی تحویل شما دادیم، شما فکلی‌های مستفرنگ غرب زده، که فکر می‌کردید حالا چون تیترو دارید و تشکیلات می‌توانید اداره کنید مگر جز این بود که یک ماه، دو ماه کمتر یا بیشتر، از انقلاب و پیروزی نگذشته بود، هنوز خون بچه‌های ما روی آسفالت خشک نشده بود، که ساواکی‌ها جلوی نخست‌وزیری شما تحصن کردند و عیدی و مزایا می‌خواستند، مگر شما نبودید که مجاهدین خلق را و خیانتکارانی مثل طاهر احمدزاده‌ای که وقتی سر مرز داشت فرار می‌کرد گرفتنش با بسیاری از مدارک گرفتنش، شما اینها را آوردید روی کار، شما یونسی ضد خدایی که کتاب علیه خدا نوشته بود، آوردید در کردستان، استاندار کردید، که بوجه این مملکت را به کومه و دمکرات و ضدخداها در آن منطقه می‌داد. مگر شماها نبودید، حسن نذیه‌ها، این کسی که وقتی بحث اجرای قوانین اسلام می‌شد، با همه بی‌حیایی، آن موقع در آن شرایط می‌گفت همه احکام اسلامی قابل اجرا نیست و نمی‌شود همه احکام اسلام را پیاده کرد، شما میناچی‌ها، امیرانتظام‌ها و قطب‌زاده‌ها، شما اینها را روی کار آوردید. شما باید در سایه این جنایاتی که در دوره حکومتتان کردید از ننگی که بوجود آوردید، باید برای همیشه تا زنده‌اید سرتان پایین باشد از خجالت و شرمندگی، بی‌حیاها، شماها عامل شهادت بیشترین و بهترین عزیزان ما در کردستان بودید. مرحوم شهید تیمسار قره‌نی، این افسر ارشد و افسر لایق و مرد مظلوم و مجاهدی که فرهنگ کردستان دستش بود، وقتی امام دستور می‌دهد، و این مرد حرکت می‌کند که زیباترین حرکت را هم تیمسار قره‌نی می‌کند، شما بی‌شعورها قاسملو را می‌آوردید در نخست‌وزیری و او را ترجیح می‌دادید به تیمسار قره‌نی که ناگزیر شد این مرد و بعد هم به افتخار شهادت رسید. شما چه می‌گویید، شما چه غلطی، چرا غلط خیلی کردید، خیانت به اسلام و قرآن خیلی کردید، حالا روحانیتی که نشان داد خودش را، ما که حال و هوای تیترو مقام و ریاست را نداشتیم، بی‌عرضگی شما ما را رساند به اینجا که امروز من طلبه باید در وزارت کشور باشم و آن برادر روحانی در فلان جا و آن دیگری در فلان جا، همانطور که امام فرمود، هر گاه و هر روزی گروهی سالم غیروابسته به شرق و غرب، دلسوز است خدمتگزار به ملت از غیرمعمومین و روحانیون پیدا شوند، والله آن روز ما احساس تکلیف در این رابطه نخواهیم کرد، دنبال دامن و فریادمان و درس خواندنمان و منبرمان خواهیم رفت. هر روزی پیدا بشود من به الکفایه، شما دوره‌تان مشخص است روحانیتی هم که آمدند روی کار دوره‌شان مشخص است، بنی‌صدر خبیث آمد و بهترین منطقه کشور و خوزستان را تحویل دشمن داد، این آمریکایی و می‌گفت که ما مثل اشکانیان می‌جنگیم. به یاد اجدادش افتاد ملت را راه داد در

داخل، روزی که بنی‌صدر عزل شد و معزول شد و رفت، گورش را گم کرد، شما می‌بینید که فتح آبادان آغاز شد درست بعد از بنی‌صدر، پشت سر او بستان شد. پشت سر او فتح‌المبین شد، پشت سر او بیت‌المقدس بود، پشت سر او رمضان بود، من دیروز از پاسگاهی دیدن کردم، پاسگاه زید، پاسگاه عراقی‌هاست ۸-۹ کیلومتر در داخل خاک عراق، بچه‌های ما آنجا مستقر هستند، و آن پاسگاه را که چقدر هم محکم ساخته شده بود دژی بود، اینها فتح کردند و من رفتم آنجا با آنها گپی هم داشتیم. شما آمریکاییهای لیبرال دشمن را تا ذوالفقار به آبادان آوردید تو، و همین آخوندها و روحانیت با همکاری ملت فداکاری که روحانیت را شناخته، شناخته که این دیگر وابسته نیست به شرق و غرب، اینها بیرون کردند و امروز ایران نسبت به سال گذشته و نسبت به آغاز جنگ به فضل خدا در بهترین موقع و موضع سیاسی و اقتصادی و نظامی قرار دارد (تکبیر حضار) این خودش امتحان است. اینها خودشان را نشان دادند، روحانیت به این نکات توجه کرد، جلوی دزدی‌های اینها گرفته شد، و اینها شدند مخالف. آقا چینی پیدا نمی‌شود، آقا نمی‌گذارند ما بیاوریم، آقا نمی‌گذارند، بله نمی‌گذارند تو بخوری، نمی‌گذارند تو بدزدی، نمی‌گذارند، کنز تشکیل بدهی، نمی‌گذارند که رشوه خواری کنی و رباخواری کنی، یک عده هم اینها امتحان شدند، دیدند که انقلاب به مزاجشان نمی‌سازد، مخالف شدند و مردود شدند در این امتحان و رانده شدند از جامعه، عده‌ای هم اینها، عده‌ای هم منافقین که وضعشان روشن است انقلاب بهترین آزمایشگاه، بهترین بوتله برای امتحان، همه ما امتحان می‌شویم، در این انقلاب ماهیت‌ها خوب روشن می‌شود، این دیگ انقلاب هم‌نیتور می‌جوشد. زیر و رو می‌کند همین که شیر پول کم می‌شود، بسته می‌شود دانش در می‌آید، همین که مرید و مرادی دیگر کم می‌شود، دانش در می‌آید پس سهم ما چه شد؟ پس پول ما چه شد، پس حق ما چه شد، یک عده اینطوری‌ها، یا دنبال تیترا یا دنبال ما یا دنبال به هر جهت فرصت دیگر یا دنبال مقلد یا دنبال مرید، اینها همه امتحان است، کسانی داد می‌زدند در امتحان و مبارزه می‌کردند که آدم حالا تعجب می‌کند، پس کو این فریادهای قبل از انقلابش، برای چه بود؟ چطور یک دفعه اینقدر نابینا شده این همه پیروزی و ظفر را نمی‌بیند. این همه پیشرفت را نمی‌بیند ملتی که جنگید بعد از پیروزی انقلاب یک سال ما نتوانستیم نفس راحت بکشیم، بلافاصله وارد جنگ کردستان و ترکمن صحرا شدیم بعدش هم خوزستان و بعدش هم غرب شدیم. از نظر عمرانی و رفاهی کاری که در این دو سال چه جهاد سازندگی، ارگان‌ها و نهادها و خود دولت در روستاهای این کشور کردند به مراتب بیشتر از کاری است که در عرض ۲۰-۳۰ سال در نظام قبل در این مملکت شده بود. (تکبیر حضار)

به هر حال عده‌ای هم در این امتحان قبول بیرون آمدند رحمت خدا بر اینها باد، ان‌الذین قالوا ربنا

الله ...

دوره‌ای که گذشت و لیبرالیسم در زمان بنی‌صدر سلطه پیدا کرده بود، شما ببینید چقدر به اینها تهمت زدند، به همین حزب جمهوری چقدر برچسب زدند، دورانی که اگر کسی عضو حزب هم بود سمپات حزب جمهوری هم بود، آنچنان خفقان و برچسب و تهمت رایج شده بود که یک سمپات جرأت نمی‌کرد که بگوید من علاقمند به حزب جمهوری‌ام، علاقمند به بهشتی و علاقمند به خامنه‌ای‌ام، آنقدر تهمت به اینها زدند، مرحوم بهشتی، عجیب بود، روز نمی‌شد خانه‌ای نبود که اختلاف بین پدر و پسر و خواهر و برادر و برادر در این مراجعه‌ها نباشد، انحصارطلب، نمی‌دانم دیکتاتوری آخوندیسم را اینها دادند، حزب نمی‌دانم چه، سلطه‌گر، حزب انحصارگر، حزب چپی، سران حزب، وابسته، ارز خارج کردند، پول بردند، وابسته هستند، چپند، راستند، همه چیز زدند، مثل کوه این

مردان خدا ایستاده‌اند همه را به جان خریدند، مرحوم بهشتی یک هفته قبل از شهادتش در دفتر حزب تهران، برادران روحانی که جمع بودند ایشان فرمود که کمرهاتان را قرص ببندید آماده بشوید، به مرحله‌ای انقلاب رسیده که باید آماده شهادت بشوید، هر که مرد ..... می‌تواند بیاید، آماده بشوید، انقلاب به مرحله‌ای رسیده که خون می‌خواهد یکی از دوستان می‌گفت، من لبخندی زدم و گفتم، دکتر تا اینجا را ما می‌آییم، اما بعدش را معلوم نیست ما با شما باشیم، فرمود خیر می‌آیید شماها هستید.

ان الذین قالوا ربنا ..... این مرد مقاوم، او و یارانش، و همه مسئولین که برای خدا، این حزبی که تشکیل شد در تأسیس و تشکیل بنده در جریانش بودم که قبل و زمانی که مرحوم بهشتی در پاریس خدمت امام شرفیاب شده بود، نه به خاطر این بود که ریاست کنند، نه به خاطر این که حکومت کنند و چه کنند و چه کند فقط هدف این بود که ما در طول تاریخ فریاد را ملتمان زدند، خون را مردم دادند، به علت بی‌تشکیلاتی، دیگران میوه را چیدند و رفتند. هدف همین بود همین انقلابمان وقتی اولش بازرگان‌ها می‌آیند روی کار به علت بی‌تشکیلاتی بودن بود که آمدند و رفتند و آن اقتضاحات را به بار آوردند. هدف این بود که یک تشکیلاتی باشد که ما ضربه‌پذیر نباشیم خط آمریکا باز نیاید، خبرگان مطرح می‌شود، که‌ها می‌خواهند بیایند، مجلس شورای اسلامی مطرح می‌شود، کی‌ها می‌خواهند بیایند، فلان جریان انتخابات مطرح می‌شود، کی‌ها می‌خواهند بیایند، کی‌ها می‌خواهند بیایند که هنوز خون بچه‌ها خشک نشده، ما را تحویل شوروی بدهند یا آمریکا یا انگلیس.

هدف این بود، برای خدا، برای حفظ خط اسلام، برای حفظ خط اسلام فقه‌امتی، برای حرکت در

خط امام